

الگوی برگزیدن نام نیک برای فرزندان

بر اساس سیره رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع)^۱

سعید طاوسی مسرور

در دین اسلام، حقوق متقابلی بین پدر و مادر و فرزند تعریف شده است که از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر آن است که برای وی نامی نیکو برگزینند چنان که پیامبر اعظم (ص) در بخشی از وصیت خود به امیرالمؤمنین علی (ع) که آن را امام صادق (ع) نقل کرده است، می‌فرماید: «یا علی: حقّ الولد علی والده أن یحسّن اسمه؛ ای علی، حقّ فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیک برگزیند» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲، ۳۷۲). در روایات دیگری از پیامبر (ص)، امام علی (ع) و دیگر امامان (ع) نیز انتخاب نام نیک برای فرزند از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر شمرده شده است (برای نمونه نک. نهج البلاغه، ص ۵۴۶، کلمه قصار ۳۰۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۷ - ۱۲۸). به فرموده شهید مطهری انتخاب نام خوب برای فرزند دو اثر دارد: یکی تعظیم شعائر است و دیگری آن که تاثیر مثبت در روحیه کودک دارد (یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۶۱). آیت الله ابراهیم امینی نیز می‌نویسد: «... انتخاب نام يك اثر بزرگ اجتماعی هم دارد. نام‌گذاری است که اهداف، افکار و آرمان‌های پدر و مادر را آشکار نموده و آن‌ها و فرزندانشان را رسماً به جمعیت‌ها و مرام‌های گوناگون وابسته و ملحق می‌سازد. از نام‌گذاری‌های يك پدر و مادر آگاه، می‌توان به افکار و آرمان‌های آن‌ها پی برد. ... هر پدر یا مادری، با انتخاب نام، خود و فرزندش را به گروهی که پسند اوست، ملحق می‌سازد. این وابستگی‌های اسمی، علاوه بر این‌که در افکار عمومی اثر دارد، غالباً در طرز تفکر صاحب اسم نیز بی‌اثر نخواهد بود» (تربیت، ص ۷۶ - ۷۷).

در دوره جاهلیت به دلایل مختلف برخی اسامی بد مانند حرب (جنگ)، شیطان، سراق (دزد)^۲، ظالم، ثعلب (روباه)، کلب (سگ)، غراب (کلاغ)، قراد (کنه)^۳ و یا اسامی شرک آمیز مانند عبد شمس (خورشید

^۱ این نوشتار را به محضر استادم حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان تقدیم می‌کنم. به پاس پیشگامی ایشان در این بحث و بهرمندی همیشگی اینجانب از خوان علم ایشان.

پرست) و عبد ود (ماه پرست) بر فرزندان خود می‌گذاشتند (نک. *الاشتقاق*، ص ۴ - ۵؛ نیز نک. «ترویج نگرش خوشبینانه توسط رسول خدا (ص) (بررسی موردی در زمینه تغییر اسامی تازه مسلمانان)»، در: وبگاه کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران^۴). پیامبر (ص) با این فرهنگ غلط مبارزه کرد و شخصا نام مسلمانانی که اسم خوبی نداشتند، را تغییر داد (سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۶۷؛ *قرب الاسناد*، ص ۹۳؛ *سبل الهدی والرشاد*، ج ۹، ص ۳۵۸). پیامبر (ص) نسبت به اسامی افراد حساس بودند و این نشان دهنده اهمیت اسامی افراد در شکل‌گیری فرهنگ جامعه است. در سنن ابی داود سجستانی (ج ۲، ص ۲۳۲) آمده است که هرگاه پیامبر (ص) اسم فردی را می‌پرسید اگر نام خوبی داشت و آن حضرت آن نام را می‌پسندید آثار شادی در چهره آن حضرت دیده می‌شد و اگر نام بدی داشت آثار کراهت و ناخشنودی در سیمای رسول الله (ص) دیده می‌شد. بنابر روایات و اخباری که امروزه در دست ماست، نمونه‌هایی از مواردی که رسول خدا (ص) اسم فردی را تغییر داده، چنین است:

- روایت شده که آن حضرت نام زنی که جَثَامَة (به معنی کابوس و یا تنبل) نام داشت را به حَسَّانَة (بسیار نیکو) تغییر داد (*الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۸، ص ۶۲؛ *سبل الهدی والرشاد*، ج ۹، ص ۳۸۶).
- پیامبر (ص) نام زنی را از عاصیة (گناه‌کار) به جمیلَة^۵ (زیبا) تغییر داد و این زن همان مادر عاصم پسر عمر بن خطاب است که عمر در سال هفتم با او ازدواج کرد و سپس وی را طلاق داد (*الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۸، ص ۶۷).
- مطیعة دختر نعمان بن مالک انصاری نیز عاصیة نام داشت که پیامبر (ص) نام وی را به مطیعة (دختری که مطیع خداوند است) تغییر داد (همان، ج ۸، ص ۳۱۶).
- ابن ابی الحدید چنین نوشته که نام ابوبکر در جاهلیت عبدالکعبه بوده و پیامبر (ص) نام وی را به عبدالله تغییر داده است. عبدالرحمن بن عوف نیز عبدالحارث^۶ نام داشته و رسول خدا (ص) او را عبدالرحمن نامیده است (*شرح نهج البلاغة*، ج ۱۹، ص ۳۶۶).

^۲ ابن ابی الحدید چنین نوشته است که روزی عمر می‌خواست از کسی کمک بگیرد به او گفت: نام تو چیست؟ گفت: سراق بن ظالم. عمر گفت: خودت که دزدی! پدرت هم ظالم بوده پس از او کمک نگرفت (*شرح نهج البلاغة*، ج ۱۹، ص ۳۶۷).

^۳ به پسر بچه عربی که نامش قراد بود گفتند پدرت چقدر بر تو تنگ گرفته که نامت را قراد (کنه) گذاشته است. در جواب گفت: در عوض در کنیه‌ام وسعت داده و مرا مکنی به ابو الصحاری (پدر بیابان) کرده است! (*شرح نهج البلاغة*، ج ۱۹، ص ۳۶۸).

^۴ <http://www.historylib.com/site/SViewDocument.aspx?DocID=815&RT=List>

^۵ گاهی برخی اسامی نیک معنای ضمنی پیدا می‌کنند مثلاً اگر فرد ناصالحی نام نیکی داشته باشد اما به فسق و گناه مشهور شود، آن نام بعدها یادآور آن فرد ناصالح و آن گناه خواهد بود. مثلاً همین نام جمیل نام یکی از رقاصه‌های مشهور دوره پهلوی است و اگر اکنون بر دختری نام جمیل گذاشته شود، بسیاری از افراد به یاد آن رقاصه می‌افتند؛ پس بهتر است به جای جمیل از اسم زیبا استفاده شود.

بنا بر روایات (برای نمونه نک. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۶۶؛ الکافی، ج ۶، ص ۱۸ - ۱۹)، بهترین اسامی، نام‌های انبیاء و اوصیا (ع) است و در بین این اسامی افضل آن‌ها نام پیامبر خاتم (ص) و ائمه اطهار (ع) است و بعد از آن نام‌هایی که اشاره به بندگی خداوند دارند مانند عبدالله و عبدالرحمن^۶ و نامیدن فرزند به این اسامی استحباب شرعی دارد (السرائر، ج ۲، ص ۶۴۶؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۲۸ - ۱۳۱) و در روایاتی به برکات و آثار مثبت مادی و معنوی چنین نامگذاری‌هایی اشاره شده است (برای نمونه نک. الکافی، ج ۶، ص ۱۹؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۳۶۶، ۳۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۰). برای نمونه قاضی نعمان مغربی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان از پیامبر (ص) چنین نقل کرده است: «اگر نام یکی از اهل خانه نام یک پیامبر باشد، برای آنان همواره برکت خواهد داشت» (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۸۸). در روایتی از جابر جعفری از امام باقر (ع) آمده است: «... وقتی شیطان بشنود کسی را به نام محمد یا علی می‌خوانند، از شدت ناراحتی مانند سرب گداخته آب می‌شود و هنگامی که بشنود کسی را به نام یکی از دشمنان اهل بیت (ع) می‌خوانند، از شدت شعف به وجد می‌آید» (الکافی، ج ۶، ص ۲۰). بنابراین از بدترین اسامی نام دشمنان انبیاء (ع) و ائمه اطهار (ع) و اشقیا است مانند نمرود، فرعون، معاویه، یزید، شمر، خولی، حرمله، چنگیز و شیخ حسین انصاریان می‌نویسد: «... نام نیکو برای فرزندش انتخاب نماید. از نام‌هایی که معنای خوبی ندارد، از نام‌هایی که نور ندارد، از نام‌هایی که نام حیوانات و ستمگران تاریخ است، پرهیز نماید. نامی انتخاب کند که هم برای پدر و فرزند یادآور انسان‌ها، و جریان‌های مثبت حیات آن انسان‌ها باشد» (تواضع و آثار آن، ص ۴۰۶).

برای ترویج اسامی حاوی عبودیت توسط رسول خدا (ص) و جایگزینی آن‌ها به جای اسامی بد و یا شرک‌آمیز، کافی است به مقاله «ترویج نگرش خوشبینانه توسط رسول خدا (ص)» (بررسی موردی در زمینه تغییر اسامی تازه مسلمانان) از استاد محبت الاسلام رسول جعفریان مراجعه شود زیرا فهرستی شامل بیش از چهل مورد از مردانی که پیامبر (ص) نامشان را از نام‌هایی همچون عبدالعزی، عبدشمس، عاصی و شیطان به عبدالرحمن، عبدالله و عبدالعزيز تغییر داده، به دست داده است.

^۶ ابن عبد البر نام عبد الرحمن بن عوف در جاهلیت را عبد عمرو و به قول ضعیف‌تر عبد الکعبه نوشته است (الاستیعاب، ج ۲، ص ۸۴۴).
^۷ لازم به ذکر است که از نظر برخی فقهای اهل تسنن تسمیه به نام‌های خاص خداوند ذوالجلال مانند الله، رزاق، صمد، احد و رحمن جایز نیست (فیض‌القدیر، ج ۱، ص ۲۸۵؛ کشف‌القناع، ج ۳، ص ۲۸) اما صاحب جواهر در غیر نام الله، قائل به کراهت شده است (جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۵۷).

پیامبر (ص) به ترویج اسامی انبیا (ع) و صالحان نیز اهتمام داشت. محمد بن خلیفه بن عامر از اصحاب پیامبر (ص) که در فتح مکه حاضر بود، نامش عبد مناة بوده و رسول خدا (ص) او را محمد نامیده است (*الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۶، ص ۱۲). آن حضرت برای یکی از اصحاب مشهور نیز نام سلیمان را برگزید و او همان سلیمان بن صرد خزاعی است که پیش از آن یسار نام داشت (*المحبر*، ص ۲۹۱). موالی‌دی که در دوره پیامبر (ص) متولد می‌شدند و برای نامگذاری خدمت آن حضرت می‌آوردند علاوه بر نام‌هایی چون عبدالله و عبدالملک، آن حضرت آن کودکان را به نام‌های انبیا (ع) مانند محمد، ابراهیم و یحیی می‌نامید و فرزند پسر خود را نیز ابراهیم نامید (برای تفصیل بیشتر نک. «ترویج نگرش خوشبینانه توسط رسول خدا (ص)»). علاوه بر نام‌های انبیا (ع) آن حضرت نام دیگر صالحان را نیز دوست می‌داشت چنان که شیخ کلینی از امام صادق (ع) نقل کرده که فردی به محضر پیامبر (ص) مشرف شد و عرض کرد خداوند به من پسری داده است، او را چه بنامم؟ رسول خدا (ص) فرمود: «نام او را حمزه بگذار زیرا از نام‌هایی است که من آن را بسیار دوست می‌دارم» (*الکافی*، ج ۶، ص ۱۹). بر این اساس، از بهترین نام‌ها برای پسران و دختران، نام مردان و زنان برگزیده و اسوه‌های حسنه مانند محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، ابراهیم، عیسی، فاطمه و مریم است. بحمدالله در ایران این نام‌ها و برخی اسامی دیگر مانند عباس، زهرا، زینب، رقیه و معصومه بسیار شایع است اما متأسفانه از برخی اسامی دینی مانند حمزه، خدیجه، آسیه و آمنه کمتر استفاده می‌شود. از بین اسامی و القاب حضرت فاطمه زهرا (س) نیز بیشتر از همین اسامی فاطمه و زهرا استفاده می‌شود در حالی که از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت نه اسم دارد: «فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه، زهراء» (*الخصال*، ج ۲، ص ۴۱۴) و هریک از این اسامی گویای یکی از مقامات آن حضرت است و بسیار پسندیده است شیعیان از این اسامی استفاده کنند.

چند سال پیش از آیت الله فاطمی نیا شنیدم که می‌فرمودند: «چه خوب است به برخی اسامی دینی که کمتر شایع است توجه شود مثلاً نام زیبای نفیسه» که یادآور سیده نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) است که بانویی صالحه و عارفه از فرزندان رسول خدا (ص) بوده است که در سال ۲۰۸ در مصر وفات کرد و مزارش در قاهره معروف است و علامه امینی فرموده به تجربه ثابت شده که دعا نزد قبر این بانو مستجاب است (*الغدير*، ج ۵، ص ۲۸۴). از دیگر زنان بزرگوار حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) است که شاهد ولادت قائم آل محمد (ص) بوده است (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، ص ۵۶۶). چه نیکو است که نام زیبا و معنوی وی بیش از پیش مورد استفاده

شیعیان قرار گیرد زیرا این نام از دو جهت ارزشمند است اولاً یادآور این بانوی نیکوکار است و ثانیاً نامی است که امام معصوم یعنی جواد الائمه (ع) بر دختر خود نهاده است. به علاوه پیش از این بانوی بزرگوار، نام یکی از خواهران امام رضا (ع) نیز حکیمه بوده است و حجت خداوند یعنی امام کاظم (ع) این نام زیبا را برای دختر خود برگزیده‌اند (الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴). در بین دختران امام کاظم (ع) علاوه بر نام حکیمه، نام حسنه دیده می‌شود که این نامگذاری نیز مانند نام حکیمه بر اساس معنای نیک و آژه است و نام‌هایی چون فاطمه (یعنی بریده شده از هر شر و پلیدی و بریده شده از آتش جهنم)، زینب (یعنی: زینت پدر) و آمنه (یعنی: ایمن) که هم معنای خوب دارد و هم نام زنان برگزیده است (الارشاد، همانجا).

از دیگر افرادی که شایسته است از نام آنان برای نامگذاری فرزندانمان استفاده کنیم اصحاب صالح پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند که هر یک اسوه دینداری و فضیلت بوده‌اند مثلاً عمار، سلمان، مقداد، ابوذر، کمیل، میثم، مسلم، هانی، حبیب، حر، فضل و...؛ اما استفاده از برخی از این اسامی چندان رایج نیست. آیت الله ابراهیم امینی می‌نویسد: «در جهانی که برای ترویج مرام‌ها و بزرگداشت شخصیت‌ها، از هر فرصتی حتی نامگذاری شهرها، خیابان‌ها و میدان‌ها استفاده می‌کنند، يك مسلمان مسئول و آگاه نیز برای ترویج دین از هیچ فرصتی، حتی نامگذاری غفلت نخواهد کرد. آری به‌وسیله انتخاب و ترویج نام‌هایی از قبیل حسن، حسین، ابوالفضل، علی اکبر، حر، قاسم، حمزه، جعفر، ابوذر و عمار، می‌توان خاطره جان‌بازی و فداکاری مردان مجاهد اسلام را در دل‌ها زنده نگه‌داشت و روح فداکاری و مبارزه با ستمگری را در کالبد ملت دمید» (تربیت، ص ۷۸).

اما آیا نام نیک منحصر در اسامی پیشوایان دینی و افراد برگزیده و صالح است؟ وقتی به سیره عملی پیشوایان معصوم (ع) رجوع می‌کنیم دایره نام نیک را بسی وسیع‌تر می‌یابیم. همین مواردی که پیش از این از تغییر اسامی زنان توسط پیامبر (ص) نقل شد نشان می‌دهد که هر اسمی که از معنای خوب برخوردار باشد (مانند مطیعه و حسانه) و یا هر اسمی که با جنسیت زن تناسب داشته باشد و بر زیبایی و لطافت که دو نعمت خداداد به زن است، اشاره داشته باشد (مانند جمیله یا به فارسی زیبا)، برای دختران نام نیک است. در سیره امامان شیعه (ع) نیز می‌بینیم که همسرانشان را با اسامی گل‌ها و یا آیات الهی مانند ستاره صدا می‌زدند که هم معنای خوبی دارد و یادآور نعمت‌ها و آیات و الطاف خداوندی است و هم با جنسیت زن تناسب دارد. برای نمونه مادر امام رضا (ع) بانویی از اهالی نوبه (سرزمینی باستانی در سودان و مصر امروزی) بوده و ظاهراً نام اصلی ایشان تُکْتَم بوده و امام کاظم (ع) ایشان را نجمه

(یعنی: ستاره) و خیزران (یعنی: نی) صدا می‌زده است (نک. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، ص ۴۲۵ - ۴۲۶). البته اشکال ندارد که شوهر، همسرش را به چند اسم بنامد چنان که برخی همسران ائمه (ع) چند نام داشته‌اند مثلاً همین نجمه خاتون (رضی الله عنها) که شوهرش امام کاظم (ع) پس از آن که این بانو، امام رضا (ع) را به دنیا آورد، ایشان را طاهره نامید (علام‌الوری، ج ۲، ص ۴۱). بهترین مثال در این باره مادر امام زمان (ارواحنا له الفداء) است که بنا بر روایات نزدیکانش یعنی امام حسن عسکری (ع) و حکیمه خاتون دختر امام جواد و عمه امام عسکری (ع) او را به چند اسم صدا می‌زدند: نرجس (نرگس)، ریحانه و سوسن که همگی اسامی گل‌ها هستند (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، ص ۵۶۷). در منابع برای مادر امام هادی (ع) نیز دو نام سمانه (یعنی: بلدرچین) و سوسن ذکر شده است (نک. همان، ص ۴۹۹).

در اسامی مردان نیز علاوه بر تغییر اسامی بد و نکوهیده توسط پیامبر اعظم (ص) به نام‌های حاوی عبودیت و اسامی پاکان، در موارد متعددی آن حضرت نام بد و نامناسب را به نامی با معنای خوب و مناسب تغییر داده‌اند. برای نمونه نقل شده که فردی به محضر رسول الله (ص) مشرف شد؛ آن حضرت از او پرسید: نام تو چیست؟ گفت: اصرم (یعنی: آن کس که کناره دو گوشش بریده باشد و به مرد محتاج بسیار عیال بد روزگار هم می‌گویند). پیامبر (ص) فرمود: نه تو زرعۃ (یعنی: ثمره و میوه) هستی (سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۶۷). علاوه بر این، بیش از بیست مورد تغییر این چنین را می‌توان در مقاله پیش‌گفته استادم حجت الاسلام رسول جعفریان یافت که به نمونه‌هایی از این تغییر نام‌ها اشاره می‌شود: تغییر نام یک صحابی از زحم (یعنی: زحمت) به بشیر؛ تغییر نام مطیع بن اسود عدوی و مطیع بن عامر بن عوف کلابی از عاصی به مطیع، تغییر نام بشیر سدوسی از نذیر به بشیر؛ تغییر نام اسود (یعنی: سیاه) به ابیض (یعنی: سفید)، تغییر صرم یا اصرم به سعید؛ تغییر غافل به عاقل و قلیل به کثیر و بغیض به حبیب و

متأسفانه با وجود این همه نام نیک و مناسب، برخی ایرانیان با کج سلیقگی برخی اسامی عربی را بر فرزندان خود می‌گذارند که نه جنبه دینی دارد و نه زیبایی و نه معنای مناسب و سازگار با جنسیت زن و حتی خود عرب‌زبانان هم از این اسم‌ها استفاده نمی‌کنند مثلاً اکبر^۱ و اصغر و یا کبری و صغری که یعنی بزرگتر و کوچکتر که در واقع اسم نیستند بلکه صفت هستند و علت استفاده از آن‌ها این بوده که گاهی

^۱ نام یکی از صحابه پیامبر (ص) اکبر حارثی بود که به شهادت پسرش عصام، رسول خدا (ص) نام وی را به بشیر تغییر داد (الاکمال، ج ۱، ص ۱۰۷).

برخی افراد به جهت علاقه به نامی خاص، دو فرزند خود را مثلاً فاطمه می‌نامیده‌اند و برای تمایز آن دو از هم می‌گفته‌اند فاطمه کبری و فاطمه صغری؛ نه این که اسم آن دو دختر، کبری و صغری باشد. مثلاً ائمه اطهار (ع) بر برخی اسامی مانند محمد، علی و فاطمه تاکید داشتند و گاه چند فرزند خود را به این اسامی می‌نامیدند. برای نمونه می‌توان به امام کاظم (ع) اشاره کرد که دو دختر به نام فاطمه داشته‌اند: فاطمه کبری مشهور به حضرت معصومه (س) و فاطمه صغری (الارشاد، همانجا). برخی ایرانیان نیز از این همه اسم زیبای اسلامی و ایرانی عبور کرده و اسامی رومی و روسی و اروپایی و در یک کلمه غربی بر فرزندان خود می‌گذارند مثلاً آتنا که الهه یونانی جنگ و محافظ آتن است و بعد هم ناشیانه توجیه می‌کنند که واژه قرآنی است. اولاً این گونه که به کار می‌برند یعنی به عنوان اسم، قرآنی نیست و یونانی است (Ἀθηνά) ثانیاً ابلیس هم واژه قرآنی است و یا جهنم؛ چرا کسی این واژه‌ها را به عنوان اسم انتخاب نمی‌کند؟ با وجود این، بنا بر آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور این اسم تاکنون بیش از ۳۶۵۰۰ بار ثبت شده است.^۹ البته برخی اسامی ایرانی کهن نیز مانند نام آتنا هستند یا کفرآمیزند مانند مهرداد که نامی میترائیستی^{۱۰} است و یا یادآور طاغوت و ضد ارزش مانند انوشیروان^{۱۱} و پرویز که باید از این گونه اسامی اجتناب شود. شایسته است که به رسول الله (ص) اقتدا کنیم و اولاً اسامی این چنین بر فرزندان خود نگذاریم و ثانیاً اگر اشتباه کردیم و گذاشتیم، نام آنان را تغییر دهیم.

پدیده دیگر در نامگذاری، برخی نام‌های نامناسب عجیب و نامتعارف است. علاوه بر معنای اسم، متعارف بودن آن نیز بسیار مهم است زیرا زیبایی نام امری عرفی است و در جوامع و زمان‌های مختلف تفاوت می‌کند (اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۴۸۰ - ۴۸۱). ابن ابی الحدید می‌نویسد: «روزی مامون به یکی از غلامان خود گفت: نام تو چیست؟ گفت: لا ادری (یعنی: نمی‌دانم). مامون گفت: آیا کسی نیست که نام او را بداند؟ گفتند: ای خلیفه نام او که او را به آن صدا می‌زنند، لا ادری است!» (شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۶۸). متأسفانه با وجود این همه روایات و توصیه بزرگان دین، هنوز برخی افراد یافت می‌شوند که اسمی چون نام آن غلام دارند. نام‌هایی که سبب سرافکندگی و یا دستمایه تمسخر آنان

^۹ <http://www.sabteahval.ir>

^{۱۰} میترائیسم یا مهرپرستی از ادیان کهن است. واژه میترا یا میترا به تدریج به مهر تبدیل شده و مهر همان الهه‌ای است که آریایی‌ها آن را پرستش می‌کردند و ظاهراً همان خدای آفتاب است چنان که در شاهنامه فردوسی (ص ۲۴) واژه مهر به معنای خورشید به کار رفته است؛ نک. تاریخ جامع ادیان، ص ۱۳۵.

^{۱۱} مرتضی راوندی که اقوال گوناگون را درباره انوشیروان بررسی کرده است، درباره انوشیروان می‌نویسد: «... مسعودی و ثعالبی و دیگر مورخان و ادبای ایران، در وصف دادخواهی او سخنها گفته‌اند، ولی گفته آنها با روش عملی او در حکومت و فرمانروایی به هیچ وجه قابل انطباق نیست. او به افکار و تقاضاهای عمومی و نظریات مردان مطلع و کارشناس احترام نمی‌گذاشت و برای حفظ موقعیت خود از هیچ عمل نامشروعی ابا نداشت...» (تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۶۱۶ - ۶۱۹). شهید مطهری نیز می‌نویسد: «عادل نبودن انوشیروان از قطعیات تاریخ است» (پاسخ‌های استاد، ج ۱۹، ص ۵۷۶).

خواهد شد؛ مثلاً در گزارشی از تحقیقات مرکز آمار ایران در تیر ماه ۱۳۹۰ وجود این اسامی در ایران تایید شده است: روسپی (زن)، قاچاق (مرد)، سوخته (مرد)، فقیر (مرد)، فتنه (زن)، تریاک (مرد)، نخود (زن)، فلفل (مرد)، کلاغ (مرد)، امروز (مرد)، اذان وقت (مرد)، فوری (زن)، آمریکا (زن)، اروپا (مرد) و ... (اسم‌های عجیب و باورنکردنی در ایران، در: عصر ایران، کد خبر: ۱۷۰۴۳۰)^{۱۲}. شایسته است کسی که چنین نامی که بعضاً یادآور اسامی دوره جاهلیت است، دارد برای تغییر نام خود به سازمان ثبت احوال کشور مراجعه کند چنان که این اسامی از ۱۳۷۰ هجری شمسی به بعد برای تغییر نام به این سازمان مراجعه کرده‌اند: آشفته، آخری، آفت، آمریکا، آواره، ابله، اضافه خانم، انگل، بادمجان، تلفن، جمعیت، چینی، حامله، خانم گدا، شش ساله، ضمیمه، صندلی، ظلمت، عرعر، فتنه، فرانسه، فساد، فوری، گداجی، گرگی، لبو، ماست خانم، مقتول، نمی‌خوام، نیست در جهان، نیمکت، هیکل، بیلاق و ... («خانم هیبت بفرما پنیر»، در: همشهری جوان، ش ۱۹۱)^{۱۳}.

در انتها با توجه به مبانی پیش‌گفته نمونه‌هایی از نام‌های نیک برای دختر و پسر مسلمان ایرانی (به جز اسامی ذکر شده در متن) به ترتیب الفبا فهرست شده است:

نام دخترانه: آراسته، آرام، آزاده، بنفشه، بهار، بهاره، بهناز، پردیس، پرستو، پرنیان، پروانه، پروین، پگاه، پونه، حلیمه، حوا، درسا، دریا، دل آرام، رباب، رویا، سارا، ساناز، سپیده، سحر، سرور، سمیه، سنا، سوده، سیمین، شادی، شایسته، شقایق، شکوفه، صفیه، طویه، عاطفه، عطیه، فائزه، فروزان، فروغ، فریده، فهیمه، فیروزه، لادن، لاله، لیلا، محبوبه، ملیحه، مهسا، مهشید، مینا، مینو، نازنین، نسترن، نسرين، نسیم، نگار، نگین، نیره، نیلوفر، وفا، هاجر، هدی، یاسمن و ...

نام پسرانه: آرمان، ادریس، اسحاق، اسماعیل، الیاس، ایوب، امید، بهروز، بهزاد، پارسا، تقی، جلیل، جمال، جواد، حافظ، حامد، حمید، حنیف، حیدر، خداداد، دانیال، داوود، رحیم، رضا، روح الله، زکریا، زهیر، سالار، سپهر، سجاد، سروش، سینا، شعیب، شیث، صادق، صالح، طاهر، طیب، عادل، عارف، عماد، فاضل، فرخ، فرید، نوید، کاظم، کریم، کمال، لقمان، مجتبی، مجید، محسن، محمود، مرتضی،

¹²<http://www.asriran.com/fa/news/170430/%D8%A7%D8%B3%D9%85%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B9%D8%AC%D9%8A%D8%A8-%D9%88-%D8%A8%D8%A7%D9%88%D8%B1-%D9%86%D9%83%D8%B1%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86>

^{۱۳} تصویر این نوشته در این آدرس در دسترس است:

<http://tehrankids.com/index.php?newsid=4946>

مسعود، مسیح، مصطفی، مهدی، نقی، نیما، وحید، هابیل، هادی، هارون، هاشم، همایون، یاسر، یعقوب، یوسف، یونس و

منابع:

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳.

الاستیعاب، ابن عبد البر، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲.

اسلام و تعلیم و تربیت، ابراهیم امینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.

الاشتقاق، ابن درید ازدی، چاپ فردیناند ووستنفلد، گوتینگن، ۱۸۵۴.

الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، چاپ عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، ۱۴۱۵.

اعلام الوری باعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی، قم، ۱۴۱۷.

الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف والمختلف فی الاسماء والکنی والانساب، ابن ماکولا، قاهره، دار الکتاب الاسلامی الفاروق الحدیثة للطباعة والنشر، ۱۳۸۱.

پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب، مرتضی مطهری، در: مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ج ۱۹. تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۷۸ش.

تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، انتشارات نگاه. ۱۳۸۲ش.

تاریخ جامع ادیان، جان بایر ناس، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۸۶ش.

تربیت، ابراهیم امینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.

«ترویج نگرش خوشبینانه توسط رسول خدا (ص) (بررسی موردی در زمینه تغییر اسامی تازه مسلمانان)»، رسول جعفریان، در: وبگاه کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، تاریخ انتشار: ۱۹ فروردین ۱۳۸۶:

تواضع و آثار آن، حسین انصاریان، قم، دار العرفان، ۱۳۸۹ش.

جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفی، چاپ محمود قوچانی و سید ابراهیم میانجی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ش.

حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، رسول جعفریان، قم، ۱۳۸۴ش.

الخصال، شیخ صدوق، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ش.

دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۵.

روضۃ الواعظین، قتال نیشابوری، قم، ۱۳۷۵ش.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، چاپ مصطفی عبدالواحد و دیگران، بیروت، ۱۴۱۴.

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادريس حلی، چاپ حسن بن احمد موسوی و ابوالحسن ابن مسیح، قم، ۱۴۱۰.

سنن ابی داود، ابوداود سجستانی، چاپ سعید محمد لحام، [بیروت]، دار الفکر، ۱۴۱۰.

شاهنامه، ابوقاسم فردوسی، با مقدمه محمدجعفر یاحقی، مشهد، سخن گستر، ۱۳۷۷ش.

شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحديد، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴.

الغدير فی الكتاب والسنة والادب، عبدالحسين امینی، قم، ۱۴۱۶.

فیض القدير شرح جامع الصغير من احادیث البشير النذیر، محمد عبد الرؤوف مناوی، چاپ احمد عبد السلام، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.

قرب الاسناد، ابو العباس عبدالله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲.

الكافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، چاپ علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ش.

كشف القناع، منصور بن يونس بهوتی حنبلی، چاپ ابو عبد الله محمد حسن محمد حسن شافعی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸.

المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۶۱.

مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، ۱۴۰۸.

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳.

نهج البلاغة، شریف رضی، چاپ صبحی صالح، قم، ۱۴۱۴.

یادداشت‌های استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.

<http://www.asriran.com>

<http://www.sabteahval.ir>

<http://tehrankids.com>